

نگاهی به کتاب غررالحکم و جواهرالکلم

سید محمد رضوی *

چکیده: ابوالفتح عبدالواحدبن محمدبن عبدالواحد تمیمی آمدی گرد آورنده برخی از کلمات و سخنان قصار علوی، شخصیتی شناخته شده و از علمای امامیه در قرن پنجم هجری است. کتاب وی غررالحکم و دُرر الکلم نام دارد. در میان نسخه‌های خطی، کتاب دیگری نیز یافت می‌شود که در نام و عنوان خود، شباهتی به غررالحکم و دررالکلم آمدی دارد، با این تفاوت که مؤلف آن شناخته نشده و نامی از وی در کتاب برده نشده است. با مقایسه مقدمه و محتوای هر دو کتاب و با شواهد موجود، این گمان قوت می‌یابد که کتاب دوم غیر از کتاب معروف «غرر» است. آنچه در ذیل ارائه خواهد شد، تحقیقی پیرامون این موضوع است.

کلیدواژه‌ها: غررالحکم و دررالکلم / آمدی، عبدالواحد تمیمی / قرن پنجم / کلمات قصار علوی / غررالحکم و جواهرالکلم

فیه

شماره ۲



اشاره

این تحقیق پیرامون سه محور اساسی به بحث خواهد پرداخت:
۱ - معرفی عبدالواحد تمیمی آمدی صاحب غرر و گزارشی از شرح حال وی

* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲- مقایسه مقدمه غررالْحکْم با نسخه خطی مورد بحث

۳- مقایسه متن و محتوای هر دو کتاب

۱- عبدالواحد تمیمی و شرح حال وی:

چند تن از علماء و ارباب رجال همچون میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء^(۱) محدث نوری در خاتمه مستدرک^(۲) سید محمد باقر خوانساری در روضات الجنات^(۳) محدث قمی^(۴) و مؤلف کشف الظنون^(۵) (حاجی خلیفه) در خصوص معرفی این شخصیت بزرگ، مطالبی را عرضه داشته‌اند که به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

میرزا عبدالله افندی در توصیف شخصیت علمی و اعتقادی وی چنین گفته است: سید ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد تمیمی آمدی، فاضل و عالم برجسته و محدث شیعی و اثنی عشری است. و اینکه در مقدمه کتاب خود، بعد از ذکر نام مبارک امیرالمؤمنین، جمله دعائیه «کَرِّمَ اللهُ وَجْهَهُ» را آورده است، نمی‌توان به غیر امامی بودنش استدلال کرد، زیرا یا این کار را بنا به تقیه انجام داده است و یا از اضافات نویسندگان و نسخه‌پردازان کتاب می‌باشد.

محدث نوری در فایده سوم از خاتمه مستدرک الوسائل، او را از مشایخ و اساتید ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ هجری قمری) معرفی کرده است، چرا که ابن شهرآشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب^(۶) صراحتاً گفته که از عبدالواحد تمیمی آمدی اجازه روایت دارد. از آنجا که تولد ابن شهرآشوب به سال ۴۸۸ هجری و وفاتش ۵۸۸ هجری بوده است^(۷) می‌توان تخمین زد که عبدالواحد تمیمی از علمای قرن پنجم هجری می‌باشد. این حدس و گمان - و نه یقین - از این روست که تاریخ تولد و وفات وی در دست نیست. البته برخی

۱- ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲- خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۴۹۱.

۳- روضات الجنات، ص ۴۶۴.

۴- سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۴۲.

۵- کشف الظنون، ج ۱، ستون ۶۱۶.

۶- مناقب، ج ۱، ص ۹.

۷- ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۸.

دانشوران چون میرزا محمد علی مدرس خیابانی در کتاب ریحانة الادب^(۱) و به تبعیت از صاحب معجم المطبوعات^(۲) تاریخ وفات وی را ۵۱۰ هجری قمری گزارش کرده است؛ اما به نظر می‌رسد که این تاریخ، هرچند نزدیک، اما دقیق و حتمی نیست.

محل ولادت عبدالواحد تمیمی آمدی - همچنان که از نامش پیداست - شهر آمد و یا آمد، از شهرهای میان دجله و فرات است. آن شهر، مرکز چشمه سارها و باغستانهای فراوان بوده و کشت و زرع در آن فراوان دیده شده است.^(۳)

بنابر آنچه ذکر شد، عبدالواحد آمدی شخصیتی ویژه و ممتاز در میان علمای شیعی دارد. از این علامه مجلسی در مقدمه بحار^(۴) وی را از ارکان و اعلام امامیه و از ارادتمندان به خاندان نبوی معرفی کرده است.

البته اگر وی در کتاب غررالحکم، احادیث را با سند روایت می‌کرد، بهتر و شایسته‌تر می‌توانستیم در خصوص شخصیت معنوی و اعتقادی او قضاوت کنیم. اما شاید بهترین دلیل بر امامی بودن این عالم بزرگوار، احادیثی باشد که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. احادیثی که قلبهای بیمار از شنیدنش ابا و از نوشتن و گردآوری آن امتناع می‌ورزد. زیرا از مضامین آن اخبار، مطالبی استنباط می‌شود که اساس عقاید و پایه معارف و مبنای مذهب تشیع است و مخالف با این مذهب بدان اعتقاد نمی‌یابد و نقل آن را موجب گمراهی و ضلالت می‌داند.^(۵)



۱- همان. ۲- معجم المطبوعات، ج اول، ستون ۹.

۳- تقویم البلدان، ج ۱، ص ۲۰. ۴- مقدمه بحارالانوار، ص ۸.

۵- درباره غررالحکم آمدی، بنگرید به مقدمه ممتّع استاد سید جلال الدین محدث ارموی بر شرح غررالحکم آقا جمال خوانساری جلد اول چاپ دانشگاه تهران؛ نیز: مقاله‌نگاهی به شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم نوشته سید حسن اسلامی و مقاله کتابشناسی غررالحکم نوشته ناصرالدین انصاری قمی در فصلنامه علوم حدیث شماره ۱۱ (بهار ۱۳۷۸).

۲- گزارشی کوتاه از نسخه‌های موجود غررالْحکَم

۱- ۲- گزارشی کوتاه از نسخه‌های موجود غررالْحکَم

پیش از ورود به بحث تذکر می‌دهد که نسخه‌های متعددی از کتاب غررالْحکَم و دررالْکَلَم آمدی در کتابخانه‌ها و مراکز علمی معتبر وجود دارد که برای نمونه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف - نسخه‌ای بسیار نفیس با جلد و سرفصلهای طلاکاری به شماره ۱۸۶ در کتابخانه حضرت رضا علیه السلام، که در سال ۹۶۱ هجری به دست کاتب آن بهاءالدین حسین خاتمه یافته است.

ب - نسخه دیگری در همان کتابخانه به شماره ۱۱۶۸ و با خط نه چندان خوش و زیبا موجود است که تاریخ نگارش آن ۵۱۷ هجری قمری (بسیار نزدیک به زمان مؤلف) است.

ج - نسخه دیگری با خط نسخ و نفیس و جلد طلاکاری شده طی شماره ۳۰۹۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و بدون ذکر تاریخ موجود است.

د - یکی دیگر از نسخه‌های این کتاب در کتابخانه ملک طی شماره ۲۴۳۷ وجود دارد که کاتب آن علی بن اسماعیل بن یوسف، در شب سیزدهم ماه رمضان ۷۱۷ هجری در شهر بغداد آن را به پایان رسانده است.

البته نسخه‌های دیگری از این کتاب در دیگر کتابخانه‌ها و دیگر شهرها مشاهده شده که از ذکر آن خودداری می‌کنیم. این کتاب توسط مرحوم حاج محمدعلی انصاری به فارسی و در دو مجلد ترجمه شده است. همچنین محقق و محدث بزرگ قرن یازدهم مرحوم آقا جمال خوانساری شرحی ارزشمند بر این کتاب به زبان فارسی نگاشته است.

۲- ۲- بررسی مقدمه غررالْحکَم و بیان انگیزه مؤلف در تألیف آن

عبدالواحد تمیمی صاحب غررالْحکَم و دررالْکَلَم در مقدمه کتاب، قصد خود را در جمع‌آوری سخنان گوهر بار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، بدین سان بیان می‌دارد: «آنچه که مرا تشویق نمود و بر آن داشت که به نگارش و گردآوری این مجموعه بپردازم، کاری بود

که ابو عثمان جاحظ (م ۲۵۵ هجری) پیش از من به آن توجه کرد، یعنی گردآوری و نگارش صد کلمه از کلماتی که سودهای فراوان دربردارد و لذت‌های معنوی به گوشها می‌رساند. به محض آنکه بر کار جاحظ آگاه شدم، در شگفت آمدم و با خود گفتم: چگونه است که شخصیتی چون جاحظ با آن سابقه و شخصیت علمی از بسیار به اندکی اکتفا کرده است؟! مگر کاروی جزئی از کل و یکی از هزار و قطره‌ای از دریا نیست؟

آنگاه من با همه مشغله و پریشانی خاطر و در حالی که به عجز و ناتوانی خود واقف بودم، عزم خود را جزم ساختم تا آنجا که در تیررس فکر و اندیشه‌ام باشد، سخنان آن حضرت را گردآورم و کتابی در این باب عرضه دارم، و برخی از حکمت‌ها و اندکی از بی‌شمار سخنان آن حضرت را - که سخنوران و حکمای جهان از آوردن مثل آن عاجز و ناتوانند - جمع کنم. خداوند خود بهتر می‌داند که در این میدان، همچون مگسی بودم که می‌خواست دریا را با دست پیمانه کند و کوه را با ناخن ناتوان خویش بخرشد. و باز بیش از این به تصور و کوتاهی خود معترفم.

چگونه چنین نباشم؟ و حال آنکه آن حضرت از چشمه سار نبوی سیراب گشته و علم و حکمت الهی سینه‌اش را لبریز ساخته است. و دانشمندان و پیشگامان نقل و حدیث، این سخن را از آن حضرت به ما رسانده‌اند که فرمود: «آگاه باشید که میان دو پهلوی من، علم فراوانی انباشته گشته است. ای کاش به نگاهدارنده آن دست می‌یافتم»^(۱) و کمی دوش دل را از این بارگران الهی سبک می‌ساختم...

برای اختصار، اسناد آن سخنان را حذف کردم، کلماتش را به ترتیب حروف تهجی مرتب ساختم، سخنان حکیمانه و کلمات آن حضرت را از حیث سجع و قافیه موافق و مطابق یکدیگر قرار دادم، به این ترتیب آن کلمات بهتر در گوش جای می‌گیرد و در دلها فرود می‌آید زیرا درون انسان‌ها به سوی کلام منظوم بیشتر تمایل دارد. همچنین حفظ آن سخنان به خواننده آسانتر و الفاظش - برای کسی که می‌خواهد از آن لعل‌ها و مرواریدهای درخشان برگیرد - جذاب‌تر است. با تمام این اوصاف، من این گزیده را از

۱- إن بین جنبی لعلماً جمّاً لو أصبت له حَمَلَةً (نهج البلاغه، خ ۱۴).

ترس اطناب، به ایجاز و اختصار فراهم آوردم تا خواننده را رنجی نرسد و به ادبا و خردمندان، شادی و شغف ارزانی دارد. و این کتاب را «غررالحکم و دررالکلم» نام نهادم».

۳-۲- بررسی مقدمه نسخه خطی مورد بحث :

آنچه اینک به گزارش آن خواهیم پرداخت، ذکر نکات برجسته و اساسی مقدمه نسخه خطی است که در مقام معرفی و مقایسه آن با غررالحکم و دررالکلم آمدی برآمده ایم. پس از بیان نکات ارزنده، هر دو مقدمه را با یکدیگر مقایسه خواهیم کرد و در خاتمه به نتیجه گیری و گمانه زنی خواهیم پرداخت.^(۱)

مقدمه کتاب^(۲) با عبارت « الحمد لله قابل أولیائه من شکوک الظلم العمی » آغاز و با جمله « من الله أستمد التوفیق لما یرشد الی الصواب، و برحمته أعتصم » پایان می پذیرد. در این مقدمه نامی از مؤلف و عنوان کتاب ذکر نشده است. هرچند در صدر و ابتدای مقدمه، کاتب نسخه، با عنوان غررالحکم و جواهر الکلم از آن نام برده است.

از این کتاب، به نام های «غرر جوامع الکلم»^(۳) و نیز «کشاف العقول والادیان»^(۴) نام برده اند.

این کتاب حاوی کلمات و جملات قصار علوی^{علیه السلام} است که به ترتیب حروف تهجی



۱- باید دانست که نسخه های متعددی از این کتاب نیز وجود دارد که به برخی از آنان اشاره می کنیم :

- نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۴۵۲۲ (فهرست مجلس، ج ۱۱، ص ۲۱۷)

- نسخه عکسی به شماره ۲۱۱ موجود در مرکز احیاء میراث اسلامی. (فهرست نسخه های عکسی، مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۶ و ۲۳۷)

- سه نسخه به شماره های ۶۳۱، ۶۳۲ و ۶۳۳ بنام غررالحکم و جواهر الکلم موجود در کتابخانه حضرت رضی الله عنه (فهرست کتب خطی آستان قدس، ج ۵، ص ۲۲۵ الی ۲۲۷).

۲- این مقدمه از نسخه موجود در مجلس شورای اسلامی گزارش می شود.

۳- مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴.

۴- فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۶.

مرتب شده است. آغاز آن جمله گوهربار «إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَبْدٌ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ» می‌باشد و پایان کتاب با جمله «يُسْتَدَلُّ عَلَى حِلْمِ الرَّجُلِ بِقَلَّةِ كَلَامِهِ وَ بِمِرْوَتِهِ بِكَثْرَةِ إِنْعَامِهِ» مزین گشته است.

ارادت و خضوعی که مؤلف کتاب نسبت به رسول بزرگوار اسلام و خاندان نبوی صلوات الله علیهم در مقدمه کتاب از خود نشان داده، به روشنی نشان می‌دهد که مؤلف از معتقدان به مذهب امامیه و از اعلام و بزرگان ایشان است.

وی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با عباراتی چون «سید الاوصیاء، اکرم الاصفیاء، یعسوب الدین، امام المتقین، حبل الله المتین، نورالله المبین، عصمة المؤمنین، خلاصة المنتجبین، خیرة الصدیقین و صفوة عبادالله المقربین و...» یاد کرده است.

مؤلف انگیزه خود را در گردآوری کلمات قصار حضرتش چنین بازگو می‌کند: «من از ابتدای جوانی علاقمند به بهره‌گرفتن و خوشه‌چینی از مواعظ و خطب بزرگان و عالمان بودم، پندها و مواعظی که می‌توانست به تنهایی قلب‌های مستعد و مهذب را از عالم فناپذیر دنیا به عالم ملکوت و بقا پیوند دهد و یکباره ایشان را از زیب و زیورهای دنیا و تجملات آن ببرد و به همنشینی و مصاحبت با ملائکه مقرب پروردگار فراخواند. اندیشه‌های نابی که می‌توانست غبار تیره و تاریک دنیا و خانه ویران را از عقل‌های ایشان بزداید!

با چنین افکاری عمر می‌گذراندم و همواره خود را ملزم به حفظ و نگاهداری مواعظ علماء و وصایای حکماء می‌دانستم و تمام تلاش و هم و غم خود را متوجه این کار می‌داشتم، تا آنکه این سعی و تلاش بی‌وقفه، مرا به صراط حق رهنمون ساخت و بر کتاب نهج البلاغه علوی آگاه نمود....

من در کلام علوی به تأمل پرداختم و در عبارات گوهربار آن به اندیشیدن مشغول گشتم. هرچه بیشتر مطالعه کردم، بر حیرت و سرگشتگی من افزوده شد. خود را در مقابل دریای بیکران می‌دیدم که ساحلی برای آن متصور نبود! عقول اندیشمندان در مقابل آن شیفته و حیران می‌شد. گویی نوری الهی آن کلمات را لمس کرده و در آغوش خود فشرده بود و رایحه‌ای خوش از کلام نبوی سرتاسر آن عمارت را عطرآگین ساخته

بود. جزء جزء آن عبارات، دریایی از حکمت را در خود جای داده بود و بخش بخش آن حاوی حقایق و معارفی بود که می توانست مشکلات و مبهمات علم را مرتفع سازد؛ نورانیتهی خاص به افکار و اندیشه ها ببخشد، چشمها را باز و گوشها را شنوا سازد. و چرا اینگونه نباشد؟ در حالی که صاحب آن کلمات گوهریار، همنشین و مصاحب پیامبر خدا ﷺ بود که سینه اش از علم الهی لبریز و علم اولین و آخرین بدو سپرده شده بود... تا آنجا که می نویسد: «فَتَأَمَّلْتُ كَلَامَهُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ تَأَمَّلُ الْمُعْتَبِرُ وَ تَفَحَّصْتَهُ تَفَحَّصُ الْمُفْتَكِرُ، فَشَاهَدْتُ فِي ضَمَنِ خُطْبَاهُ دَرراً مَثُورَةً وَ فِي طَيِّ خُطْبِهِ وَ مَوَاعِظِهِ فِقْراً مُسْتَوْرَةً. فَرَأَيْتُ أَنْ أَرَمَ سُورَادَ حِكْمِهِ إِلَى مَجَانِسَاتِهَا وَ أَنْظَمَ جَوَاهِرَ فِقْرِهِ إِلَى مَتَنَسِبَاتِهَا. لِتُنَسَّقَ مَعَانِيهِ وَ يَسْهَلَ عَلَى النَّازِرِ مَعَانِيهِ. فَجَمَعْتُ حِينَئِذٍ بَيْنَ الْفَاظِ الْمُنَسَّقِ وَ مَعَانِيهِ الْمُتَّفِقَةِ. وَ جَمَعْتُ بَيْنَ فَرَايِدِ السُّورَادِ، حَتَّى نَظَّمْتُهَا فِي عَقْدٍ وَاحِدٍ. وَ أَوْضَحْتُ أَسْجَاعَهُ الْمُتَوَازِنَةَ إِضْوَاحَ الْمَفْهَمِ. وَ رَتَّبْتُهَا عَلَى تَرْتِيبِ حُرُوفِ الْمَعْجَمِ، لِیَحْتَوِيَ الْمَخَاطِرَ عَلَى مَعَانِيهَا وَ يَسْهَلَ فَهْمُهَا عَلَى النَّازِرِ فِيهَا وَ...»

کوتاه سخن، کلام مؤلف دلالت بر آن دارد که وی ضمن مطالعه و بررسی خطبه ها و کلمات آن حضرت، نظمی خاص به آن بخشیده و آن را براساس حروف تهجی مرتب ساخته است تا در مطایفه آن رنجی به خواننده نرسد و خاطر وی را آزرده نسازد و معانی کلام آن حضرت، به سادگی فهمیده و دریافت شود.

۴-۲- بیان نقاط اشتراک و اختلاف دو مقدمه :

نقاط اشتراک و اختلاف که در مقایسه این دو مقدمه به دست می آید، به ترتیب ذیل بیان می شود :

الف - چنانکه پیش از این یادآور شدیم، انگیزه عبدالواحد تمیمی در گردآوری کلمات قصار علوی، پیش دستی ابو عثمان جاحظ در این کار بوده است که فقط توانسته بود صد کلمه از سخنان حضرتش را جمع کند. اما در مقدمه نسخه مورد بحث، در این باره سخنی به میان نیامده است. بلکه انگیزه جمع آوری را علاقه ای می داند که مؤلف به مواعظ و وصایای علماء داشته و سرانجام دستیابی وی به نسخه ای از نهج البلاغه، او را به این کار، ترغیب و تشویق کرده است.

ب - هر دو مقدمه اشاره به آن دارند که کلمات و سخنان علوی براساس حروف تهجی مرتب شده است. بنابراین در این ترتیب و نظم بخشی، با یکدیگر برابر و مشترکند. باید دانست که چینش و انتخاب کلمات و سخنان، در هر دو کتاب، با یکدیگر اختلاف اساسی دارد. البته مشترکاتی را می توان در میان آن دو یافت، اما در مواردی چند نیز با یکدیگر تفاوت دارند که در محور سوم از بحث خود به آن اشاره خواهیم کرد.

ج - بنابر مقدمه اول، مرحوم آمدی، اسناد سخنان حضرت را، برای اختصار و پرهیز از اطاله کلام حذف کرده است. هرچند در مقدمه دوم به این مسئله اشاره نشده، اما در آن کتاب نیز اسناد سخنان ذکر نشده است.

د - عبدالواحد آمدی آشکارا در مقدمه کتاب خود بیان می دارد که نام کتاب را «غررالحکم و دررالکلم» برگزیده است. اما در مقدمه نسخه مذکور، نامی از کتاب به میان نیامده و این کتاب به نام «غررالحکم و جواهر الکلم» و گاه به نام «غرر جوامع الکلم» یا «کشاف العقول و الادیان» مشهور شده است.

۳ - مقایسه متن و محتوای هر دو کتاب :

با مقایسه متن و محتوای هر دو کتاب توسط نگارنده، چند نتیجه به دست آمد :
الف - در بسیاری از موارد، هر دو کتاب در ارائه کلمات و سخنان علوی کاملاً مشترک و برابرند. به عبارت دیگر، سخنی را که مرحوم آمدی در کتاب غرر بیان داشته، عیناً می توان آن را در نسخه مذکور نیز یافت.

ب - برخی از سخنان و کلمات قصار در هر دو کتاب اشتراک دارند، اما این اشتراک، ناقص است، یعنی با اندکی تغییر و دگرگونی در نسخه دیگر دیده می شود.

ج - کلمات و سخنانی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، در نسخه مورد بحث وجود دارد که در کتاب غرر مذکور نیست.

د - از آنجا که مبنای مرحوم آمدی در جمع سخنان، اختصار و دوری از اطاله کلام بوده است، سخنانی در کتاب وی یافت می شود که عین آن سخنان در نسخه مذکور، البته با شرح و بسط بیشتری ارائه شده است.

هـ - مؤلف نسخه مورد بحث، انگیزه خود را در جمع سخنان حضرتش، دست‌یابی به کتاب نهج‌البلاغه عنوان کرده، اما بسیاری از کلمات قصار این نسخه در کتاب نهج‌البلاغه - که اکنون نزد ما موجود است - وجود ندارد. این نشان می‌دهد که وی در جمع‌آوری این کلمات و سخنان، از منابع و مآخذ دیگری غیر از منابع سید رضی گردآورنده نهج‌البلاغه بهره‌جسته است.

خاتمه

در خاتمه بحث خود، به ذکر نمونه‌هایی از کلمات قصار علوی موجود در نسخه خطی مورد بحث در شش گروه می‌پردازیم:

۱- کلمات و سخنانی که در نسخه خطی «غررالحکم و جواهر الکلم»، غررالحکم آمدی و نهج‌البلاغه موجود است. عباراتی مثل:

- العلمُ مقرونٌ بالعملُ فمنَ عَمِلَ عملًا (در نسخه خطی غررالحکم؛ کتاب غرر آمدی، باب حرف عین؛ نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۶)
- ذمّتی بما اقولُ رهینةً و انا به زعیمٌ (دو کتاب غرر، باب حرف ذال؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶)

۲- کلمات و سخنانی که هم در نسخه خطی غررالحکم و جواهر الکلم و هم در کتاب غررالحکم آمدی وجود دارد، اما در نهج‌البلاغه سراغی از آن نمی‌توان پیدا کرد. مانند:
- زکاةُ الصّحةِ السعی فی طاعةِ الله (هر دو نسخه، باب حرف زاء)
- خیرُ اخوانک من دلك علی هدی (هر دو نسخه، باب حرف خاء)
- دوام الصبر عنوان الظفر (هر دو نسخه، باب حرف دال)

۳- کلمات و سخنانی که هم در نسخه خطی غررالحکم و جواهر الکلم و هم در نهج‌البلاغه مذکور است، اما در کتاب غررالحکم آمدی موجود نیست. مانند:

- انّ احبّ عبادالله من اعانه علی نفسه (نسخه خطی غرر، باب حرف همزه؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷)

- العلمُ یهتفُ بالعملِ فان اجابه و الا ارتحل (نسخه خطی غرر، باب حرف عین؛

۴- کلمات قصاری که فقط در نسخه خطی یاد شده آمده است : مانند :
- الفجور سائقٌ إلى سخطِ الله قائداً الى عذابِ النارِ (نسخه خطی غرر، باب حرف فاء)
- ينبغي للعاقل أن لا يخلو في كلِّ وقتٍ من طاعةِ ربِّه (نسخه خطی غرر، باب حرف ياء)
۵- کلمات و سخنانی که در نسخه خطی غرر نقل شده و با اندکی تغییر یا اضافه در کتاب غررالحکم آمدی آمده است. عباراتی مثل :

- ثمرَةُ التفريطِ ندامةٌ (نسخه خطی غرر) / ثمرَةُ التفريطِ ملامةٌ (غررالحکم آمدی)
- زكاةُ البدنِ الصيامُ (نسخه خطی غرر) زكاةُ البدنِ الجهادُ و الصيامُ (غررالحکم آمدی)
- ثمرَةُ الايمانِ النجاةُ (نسخه خطی غرر) / ثمرَةُ الايمانِ الفوزُ عندالله (غرر آمدی)
۶- مواردی که در کتاب غرر آمده و با شرح و بسط بیشتری در نسخه خطی مذکور است. مثل :

- المعروف كنزٌ (غرر آمدی، باب حرف ميم) / المعروف كنزٌ فانظر عند من تُودعُه
(نسخه خطی)

در پایان از استاد محقق و توانا جناب آقای عبدالحسین حائری، دوست و برادر دانشمند جناب آقای محمود نظری که با ارشادات و راهنمایی های خود و نیز در اختیار قرار دادن کتب و نسخه های مورد نیاز، بنده را در نگارش این مختصر یاری رساندند و همچنین از استاد ارجمند جناب آقای عبدالحسین طالعی که این موضوع را جهت ارائه مقاله پیشنهاد کرده و زمینه چاپ آن را فراهم نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم.

فهرست منابع و مآخذ :

- ۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۶۶.
- ۲- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، ط دوم، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ- ۱۹۸۳ م.
- ۳- تقویم البلدان، ابوالفداء اسماعیل بن علی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بنیاد فرهنگ

ایران، تهران، ۱۳۴۹ ش.

- ۴- روضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری، دارالاسلامیه، ط اول، بیروت، ۱۴۱۱ هـ. / ۱۹۹۱ م
- ۵- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی، تحقیق سید احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ هـ.
- ۶- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، محمد علی مدرس خیابانی، کتابفروشی خیام، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۷- سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، عباس قمی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۶ هـ. / ۱۳۷۴ ش.
- ۸- فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، مهدی ولایی، تحقیق سید محمد رضا رضاپور، ط دوم، ۱۳۷۹ ش.
- ۹- فهرست کتابخانه مجلس، تحریر و چاپ و فهرست احمد منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۴۵ ش.
- ۱۰- فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، زیر نظر سید احمد حسینی اشکوری، ط اول، ۱۳۷۷ هـ. ش / ۱۴۱۹ هـ. ق.
- ۱۱- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه، چاپ استامبول، ۱۳۶۰.
- ۱۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ط اول، بیروت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۷ م.
- ۱۳- مصادر نهج البلاغه و اسانیده، سید عبدالزهراء حسینی خطیب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۵ هـ / ۱۹۷۵ م.
- ۱۴- معجم المطبوعات العربیة، یوسف الیان سرکیس، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق / ۱۳۶۸ ش.
- ۱۵- مناقب آل ابی طالب، ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، تحقیق یوسف بقاعی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.